

آخرین نسل برتر



■ نویسنده:
عباس معروفی
■ چاپ اول سال ۱۳۷۰
■ ناشر: گردون

کتاب «آخرین نسل برتر» مجموعه داستان‌هایی از عباس معروفی است. داستان‌های این کتاب عبارتند از: «اکسیژن: یک گل سرخ»، «رشته‌ی تسبیح»، «آخرین نسل برتر»، «موری»، «جشن دلتنگی»، «عدل پدر و پسر»، «سرباز بومی»، «وزیر نو»، «پیراهن آبی شلوار سیاه»، «بام تلخ»، «اسب‌ها»، «عرق یک»، «بازمانده»، «مادامی که...»، «عرق دو»، «فرهنگ» و «قیام». هر کدام از داستان‌های آخرین نسل برتر فردی را به عنوان نسل برتر از دیدگاه نویسنده بیان می‌کنند.

تماما مخصوص



■ نویسنده:
عباس معروفی
■ چاپ اول سال ۱۳۸۸
■ ناشر: ققنوس

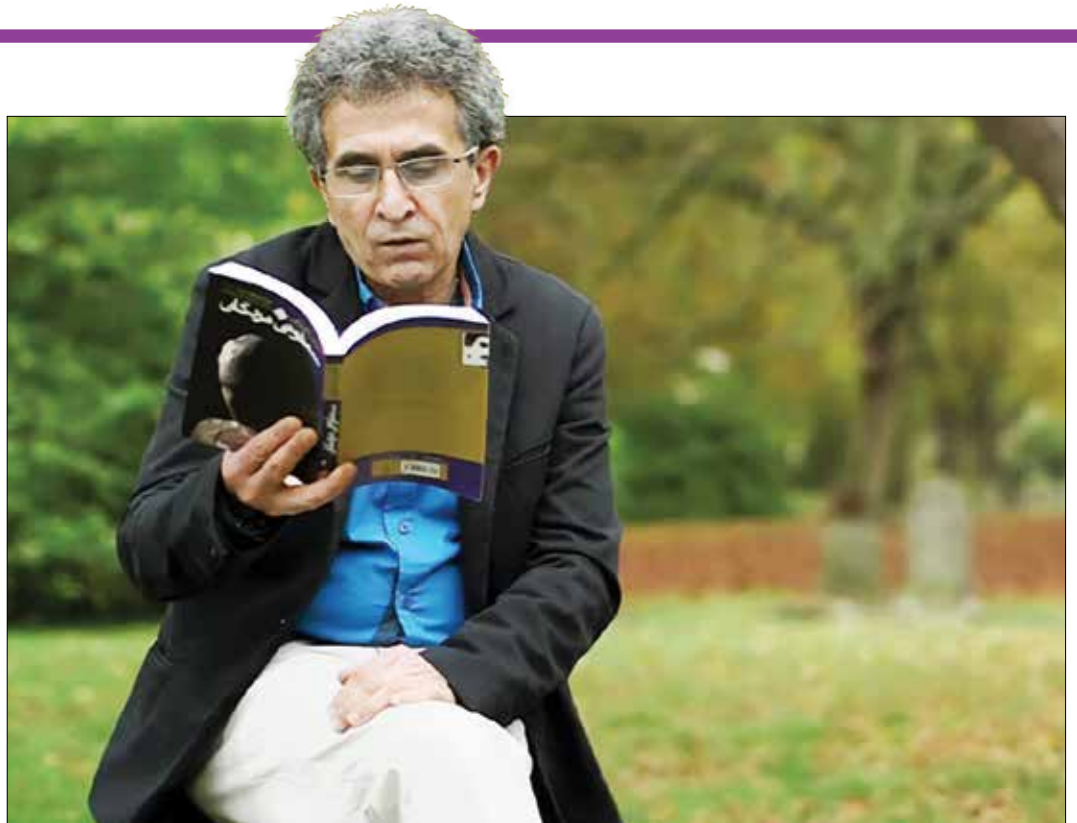
«تماما مخصوص» را ابتدا نشر ققنوس در سال ۱۳۸۸ منتشر کرد. شخصیت اصلی داستان «عباس ایرانی» است که شباهت نام او با نام نویسنده می‌تواند خواننده را به این فکر بیندازد که داستان درباره زندگی نویسنده است. عباس، دانشجو و روزنامه‌نگار ایرانی است که به آلمان می‌رود. در آنجا مدتی در یک هتل به عنوان مدیر شبانه مشغول به کار می‌شود.

دلی بای و آهو



■ نویسنده:
عباس معروفی
■ ناشر: گردون

کتاب دلی بای و آهو نوشته عباس معروفی، نمایشنامه ای است در اساس اسطوره‌ها و آیین‌های قدیمی مردم ترکمن نوشته شده است. بیشتر اساطیر این نمایشنامه مربوط به دوران قبل از اسلام ترکمن‌ها است؛ دورانی که آنها معتقد به آیین شامانیسم بودند. اندیشه اساسی که در سراسر اثر بازتاب دارد، باور اساطیری مربوط به روح مرده و تاثیر آن در زندگی بشر است.



نمونه «دیمیتر» است؛ او نهایت هدف و غایت هستی‌اش را مادر بودن می‌داند. به‌ویژه برای آیدین که نورچشمی اوست. کهن‌الگوی دیگری که در شخصیت مادر هست، «هرا» است.

آیدین مانند اکثر قهرمانان داستان‌های ایرانی «هادس» است. قهرمان «بوف کور»، «چشم‌هایش» و «مدیر مدرسه» همگی هادس هستند. نویسندگان ایرانی به مرد روشنفکر درون‌گرای فرهیخته، که از توده و عوام فاصله می‌گیرد، علاقه دارند. هادس اغلب درون خود زندگی می‌کند، منزوی و افسرده است. برخورد و زندگی با آدم‌های عادی را دون شأن خود می‌داند، اهداف و نحوه زندگی آنها برایش سطح پایین است.

آیدا، خواهر دوقلوی آیدین، مشابه کهن‌الگوی «پرسفون» است. او برای رسیدن به زندگی ایده‌آل باید از زیرزمین بیرون بیاید و به‌دنبال عشق برود. همان‌طور که هادس سر راه پرسفون گل کاشت و او را به هوای چیدن گل به سرزمین خود برد، مرد آبادانی هم یک روز در کوچه جلوی آیدا ظاهر شده، او را عاشق خود می‌کند و به آبادان می‌برد. اگرچه تمام جزئیات با هم منطبق نیست و اصولاً هم هر شخصیت داستانی درصدی از تشابه را با چند کهن‌الگو می‌تواند داشته باشد.

سمفونی مردگان از دید دیگران

برخی منتقدان ایرانی این رمان را تکرار «خشم و هیاهو»ی ویلیام فاکنر دانسته‌اند؛ زیرا در آن داستان هم، خانواده‌ای به مرور از هم می‌پاشد اما برخی از صاحب‌نظران نیز با ذکر دلایلی آن را رد کرده‌اند. یکی از عمده‌ترین علت‌ها این است که بیشتر داستان‌های دنیا با موضوع خیانت، مرگ، عشق و فقر نوشته شده‌اند، پس صرف مشابهت موضوع نمی‌تواند دلیل کپی بودن کاری باشد. هفته‌نامه دی‌ولت سوئیس درباره این رمان نوشت: «قبل از هر چیز باید گفت که سمفونی مردگان یک شاهکار است.» شاهکاری که سیمین بهبهانی درباره‌اش گفت: «آخرین پیام سمفونی مردگان این است: اگر پیش از مرگ همه رذایل را نمیرانی، مرگ تو را و آنها را باهمم دربر خواهد گرفت.»

امکان دیدن داستان از زاویه‌ای بالاتر و مشرف بر داستان را داده است. خواننده می‌تواند یک موضوع را از زبان چند نفر بخواند و قضاوت خودش را بکند.

این تکنیک در کنار جریان سیال ذهن خوش نشسته است؛ داشتن چند راوی و زمان‌هایی درهم‌تنیده و برهم‌گلتیده. چه تکنیکی بهتر از این می‌توانست یک سمفونی را القا کند؟ همان‌گونه که به‌درستی نام هر فصل را موومان، به‌اضافه شماره فصل نهاده است.

مجموع عواملی که نویسنده به کار گرفته، فضا را به «رنالیسم جادویی» نزدیک کرده است. به‌ویژه صحنه‌هایی که از یوسف روایت می‌شود. مثلاً در صحنه سم‌پاشی خانه که خانواده مجبورند مدت چهل‌وهشت ساعت خانه را ترک کرده و در باغ چادر بزنند تا سموم بسیار قوی به آنها آسیب نرساند، ناگهان مادر یادش می‌آید یوسف در خانه جا مانده! و پدر با تاسف نمی‌توانند کاری برایش کنند.

پس از طی زمان لازم وقتی به خانه برمی‌گردند، تصور می‌کنند با جسد پوسیده یا خشکیده پسر مواجه خواهند شد اما لاشه چند موش و سوسک و گربه را می‌بینند به‌اضافه یوسف که همچنان در حال خوردن است. یا صحنه مرگ او که غیررئال و حتی گوتیک به حساب می‌آید. برف، شورابی، بیابان، سرما و زندانی شدن در طبقه زیرین کلیسا... به‌علاوه امان‌های مشابه که هر یک نماد و نشانه هستند و در شکل‌دهی فضایی مبهم نقش به‌سزایی دارند.

رمان فرم درستی دارد. مولف یک فرم دایره‌ای به کار گرفته، از فصل اول که حال داستان را بازگو می‌کند، شروع شده و در پایان دوباره به نقطه شروع برمی‌گردد. این فرم خود زندگی و جهان هستی را نشان می‌دهد. تمام تکنیک‌ها در خدمت محتوا و منظور نویسنده به کار گرفته شده، ریتم و تمپو مناسب و هارمونی درهم‌پیچیده همچون موج‌های دریا باعث شده هیچ چیز از اثر بیرون نزده و بافت یک‌دستی حاصل شود.

از منظر کهن‌الگویی

به لحاظ کهن‌الگویی نیز می‌توان شخصیت‌های «سمفونی مردگان» را بررسی و برابری آرکی‌تایپ‌ها شناسایی کرد. مادر که



در «سمفونی مردگان» عناصر داستانی در حد بالای خود قرار دارند؛ مثلاً تعلیق، کشمکش و برخی صحنه‌ها به داستان‌های معمایی پهلو می‌زند. فرم به تبعیت از سیالیت ذهن، پازل‌گونه چیده شده و خواننده حوادث را از زبان راویان بیرون می‌کشد و کنار هم می‌چیند. ابتدای داستان با آیه‌ای از قرآن شروع شده که به داستان قایم و هابیل اشاره می‌کند. سپس فصل اول از زبان اورهان روایت شده که دیوانگی آیدین را در زمان حال داستان تعریف می‌کند